



# حکم نقعی مواد روان گردان

علی بنکدار

## چکیده

مصرف تمامی مواد روان گردان و سکرآور نظیر انواع نوشابه های الکلی، قرص های اکستازی و...، همچون خمر، حرام و در صورتی که بالاصاله مایع باشند نجس نیز هستند و مخلوط کردن آنها با آب و از بین بردن حالت اسکار نیز موجب پاک شدن و حلال گشتن آنها نمی شود.

همچنین خرید و فروش این مواد، اگر به نیت صحیحی چون تداوی نباشد، حرام است. بر این حکم، شیعه و اهل سنت اتفاق دارند، گرچه برخی در نجاست این مواد خدشه کرده اند که پاسخ آن آمده است. بر این حکم به چهار دلیل قرآن، روایت، اجماع و عقل استناد می شود.

کلیدواژه: مواد روان گردان، مخدر، مشروبات الکلی، الکل، اکستازی، شراب، روان گردان جامد، روان گردان مایع

## مقدمه

پیشرفت خیره کننده علوم تجربی در زمینه های گوناگون، موضوعات جدیدی را در زندگی فردی و اجتماعی انسان، پدید آورده است که چه بسا در صدر اسلام خبری از آنها نبود؛ موضوعاتی که شناخت آنها نیازمند خبرگی و داشتن اطلاعات کارشناسی و فنی است و چون به طور مستقیم موضوع احکام شرعی قرار می گیرند، عدم شناخت آنها گاه فقیه را به بی راهه می کشانند.

بی شک اگر فقیه در کنار استنباط احکام، در موضوع نیز متخصص باشد، توفیق او، به مراتب بیش از هنگامی است که احکام را خود استنباط کند و شناخت موضوعات را به متخصص غیر فقیه واگذار نماید، چرا که رجوع فقیه به متخصص، مستلزم تفاهم میان آن دو است و در هر تفاهمی احتمال خطا وجود دارد.

بررسی حکم فقهی استعمال و خرید و فروش مواد روان گردان یکی از مباحث ضروری جامعه ما در عصر حاضر است که کار فقهی گسترده ای را می طلبد، به ویژه که امروزه این مواد، جوامع انسانی را به شدت آلوده کرده و حیات شایسته انسانی را از جنبه های مختلف مورد تهدید جدی قرار داده است.

آثار زیانبار و تخریب‌گر این مواد را در همه کشورهای جهان به آسانی می‌توان مشاهده نمود. انسان در ابتدای پیدایش این مواد با آثار ویران‌گر آنها آشنا نبود؛ ولی امروزه چنین نیست.

در این تحقیق مختصر کوشیده شد گامی هرچند کوتاه در راه تبیین مبانی فقهی حرمت استعمال مواد روان‌گردان برداشته شود.

مواد روان‌گردان در زمان صدر اسلام شناخته شده نبودند و در نتیجه در مورد آنها سؤالی از ائمه معصومین علیهم‌السلام نشده است تا حکم خاص آنها بیان شود. بنابراین باید سراغ اصول و قواعد عمومی فقه و عمومات و اطلاعات کتاب و سنت رفته و از باب «تفریع الفروع من الاصول» به بررسی حکم آنها پرداخت. فقه‌های معاصر در ابواب اطعمه و اشربه و مکاسب محرمة، به حکم فقهی مواد روان‌گردان و دلایل و مستندات آن اشاره نموده‌اند. گرچه هنوز هم به طور جدی به این موضوع پرداخته نشده است.

### فصل اول: تعریف مواد روان‌گردان

به‌طور کلی مواد روان‌گردان، موادی است که عقل را زایل کرده و قدرت تصمیم‌گیری منطقی شخص را می‌گیرد و وی را به تخیل، توهم و... می‌کشانند. البته این مواد گاهی سبب طرب و شادی و سستی نیز هست.<sup>۱</sup>

در فرق مواد روان‌گردان با مواد مخدر نیز گفته شده که مواد مخدر، موادی هستند که مصرف آنها در انسان حالت لذت و خوشی کاذبی به وجود می‌آورد و وابستگی جسمی و روانی ایجاد می‌کند. بروز این حالات در استعمال‌کننده به ویژه پس از اولین مصرف که گاهی فقط به علت کنجکاوی، صورت می‌گیرد باعث تداوم مصرف و اعتیاد می‌شود.

با توجه به تعاریف بالا باید گفت فرق مواد روان‌گردان با مواد مخدر این است که مواد مخدر عقل را زایل نمی‌کند و موجب اسکار و مستی نمی‌شود. از این‌رو هر ماده‌ای که حالت اسکار داشته باشد، هرچند با نام مخدر شناخته شده

1. صالح بن فوزان، المخدرات فی فقه الاسلامی، نرم‌افزار مکتبه الشامله، ص ۳، بی‌نام، بی‌جا، ۱۴۱۱ق.

باشد، داخل در مقوله مواد روان گردان است.

اینکه ماده‌ای مخدر باشد یا روان گردان، ثمره‌اش در حکم فقهی آن ظاهر می‌شود؛ زیرا مواد روان گردان به جهت زایل کردن عقل و حالت اسکاری که دارند، ملحق به خمر و شراب می‌شوند به خلاف مواد مخدر.

### تاریخ ظهور مواد روان گردان در جهان

در تاریخ، زمان خاصی برای ظهور این نوع ماده ذکر نشده است، اما از گذشته‌ای دور، این نوع مواد هرچند با اثرگذاری اندک وجود داشته‌اند. بعضی از این مواد قدمتی شش هزار ساله دارند اما تاریخ برخی‌شان به اوایل قرن نوزدهم میلادی بازمی‌گردد و دسته‌ای دیگر چندسال و یا حتی چندماهی بیشتر از زمان تولید آنها نمی‌گذرد.

### تاریخ ظهور مواد روان گردان در جهان اسلام

تاریخ ظهور این مواد در کشورهای اسلامی مورد اختلاف است. برخی پیدایش این نوع مواد را اواسط و یا اواخر قرن ششم هجری و برخی دیگر اوایل قرن هفتم هجری می‌دانند.<sup>۱</sup>

### موضوع‌شناسی انواع مواد روان گردان و مخدر

#### مواد توهم‌زا

از جمله مواد طبیعی می‌توان به گراس، حشیش، ماری‌جوانا، چرس و برخی قارچ‌های خاص و... اشاره کرد. مواد مصنوعی این دسته شامل اکستازی، کتامین، مسکالین و... هستند.

مواد توهم‌زا ناراحتی‌های فکری و ادراکی ایجاد می‌کنند. اعتیاد نسبت به این داروها خیلی سریع و پس از ۳ تا ۴ روز از مصرف مداوم پدید می‌آید. مصرف این مواد بسته به دوز مصرف و محیط پیرامون فرد می‌تواند سرخوشی، انرژی کاذب و حالتی شبیه گذر از عالم طبیعی و ورود به عالم متافیزیک، توهم‌های شنوایی یا بینایی، هذیان، اختلال در قضاوت، حافظه و هوشیاری

۱. همان، ص ۵.

ایجاد کند و نیز باعث آشفتگی‌های روانی بسیار شدید در مقایسه با ناراحتی‌های جسمی در هنگام قطع مصرف شود.<sup>۱</sup>

بیش از ۱۰۰ نوع ماده مخدرِ توهم‌زای مصنوعی با ساختارهای متفاوت شناخته شده است که در مقایسه با مواد توهم‌زای طبیعی به مراتب خطرناک‌تر و عوارض شدیدتری دارند.

توهم‌زاهای در سراسر تاریخ به عنوان قسمتی از مراسم مذهبی و فرقه‌ای مورد مصرف قرار گرفته‌اند و عمده‌ترین مشکل در هنگام مصرف این مواد، عدم تشخیص واقعیت با خیال است که باعث فوت و مرگ می‌شود.

توهم‌زاهای به‌طور معمول، سریع‌ترین تأثیر را بر سیستم عصبی گذاشته، باعث افزایش ضربان قلب و دمای بدن، لرزش، تعریق، خشکی دهان، سرگیجه می‌شوند. اختلال ادراکی و توهم شامل مسخ واقعیت و خطاهای حسی، از دیگر آثار این موادند که همراه با توهم‌های بینایی و شنوایی است. رنگ‌ها پُر احساس‌تر و موسیقی پُر معنی‌تر می‌شود و استعمال‌کننده با اختلال حس‌ها به مرحله‌ای می‌رسد که گویی صداها دیده و رنگ‌ها شنیده می‌شوند! حس گذشت زمان آهسته می‌شود و حتی زمان به‌طور کامل متوقف می‌گردد. این تجربیات به قدری واقعی می‌نماید که فرد را فوق‌العاده تحت تأثیر قرار داده و مجبور می‌سازد برای رسیدن به تجربیات نو، مدام مصرف خود را افزایش دهد. توهم‌زاهای گاهی باعث ایجاد ارتباط با دیگران و گاهی باعث احساس تنهایی و جدایی از جمع می‌شود. حافظه کوتاه‌مدت آسیب می‌بیند، اما خاطرات گذشته‌های دور ظاهر می‌شوند و در مواردی بسیار زنده و واقعی نمایان می‌شوند.

اثر مواد توهم‌زا برای افراد بسیار متفاوت است. موارد ظهور این علائم و شدت آن، بستگی به پارامترهایی چون مقدار مصرف و خلوص ماده مصرفی، انتظارات فرد مصرف‌کننده، حالات خلقی و شناختی قبل از مصرف، محیط

۱. سایت اینترنتی [www.congress60.org](http://www.congress60.org)

فیزیکی مصرف و تجربیات گذشته ناشی از مصرف مواد دارد. به همین علت افرادی که کم مصرف هستند، بسیاری از موارد را تجربه نکرده‌اند و عوارض در آنها بیشتر جسمی و کمتر ادراکی و احساسی است.

### قرص‌ها و داروهای شیمیایی و روان گردان

در گذشته مواد مخدري که توسط معتادان مصرف می‌شد، تریاک، شیره تریاک و در نهایت هرویین بود. اما با ورود قرص‌ها و داروهای شیمیایی و روان گردان به عنوان داروی ترک اعتیاد، اعتیاد جدیدی تحت عنوان اعتیاد به قرص و داروهای شیمیایی و روان گردان پدید آمد که از مخرب‌ترین انواع اعتیاد است، طوری که اعتیاد به آنها به مراتب وخیم‌تر از اعتیاد به هرویین و تریاک است.

مصرف‌کنندگان این داروها به منظور ترک یا درمان اعتیاد، مصرف را خودسرانه و یا با تجویز متخصصان ترک اعتیاد شروع می‌کنند و پس از مدتی معتاد می‌شوند. اکثر این افراد دوباره به مصرف مواد مخدر اولیه خود روی می‌آورند، درحالی‌که اعتیاد به قرص نیز به آن اضافه شده است. برخی مصرف‌کنندگان قرص در روز بیش از ۳۰۰ عدد قرص مصرف می‌کنند که تخریب آن بسیار وحشتناک و در نهایت به اغتشاش شعور و به‌طور معمول به خودکشی منتهی می‌شود.

بررسی سیر تاریخی داروهای ترک اعتیاد که توسط برخی متخصصین تجویز می‌شدند، نشان می‌دهد که این داروها نه تنها کمکی به حل مسئله درمان اعتیاد نکرده‌اند؛ بلکه باعث حادث شدن بیماری نیز شده‌اند.

جهت آشنایی با مهم‌ترین این داروها، به اسامی بعضی از آنها به اختصار اشاره می‌شود.

داروهایی که در حال حاضر بیشترین سوء مصرف را دارند و اعتیاد به آنها نسبتاً زیاد است به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند:

۱- بنزو دیازپین‌ها، شامل: دیازپام، لورازپام، اگرازپام، پرازپام، هالازپام، آلپرازولام، فلورازپام، تمازپام، کلونازپام و کلرودیاز پوکساید؛

۲- باربیتورات‌ها، شامل: پنتوباریتال، آموباریتال، سکوباریتال و فنوباریتال؛  
 ۳- ضدافسردگی‌های سه حلقه‌ای، شامل: ای‌می‌پرامین، آمی‌تریپ‌تیلین، نورتریپ‌تیلین، پروتریپ‌تیلین، تری‌میپرامین، و دزی‌پرامین.<sup>۱</sup>  
 از داروهای کم‌سوء به دسته پروپاندیول‌ها اشاره می‌شود که شامل متروپامات و تایامات و همچنین آنتی‌هیستامین‌ها مانند دیفن هیدرامین، هیدروکسی‌زین، دوکسی‌لامین و پیریلامین هستند.  
 در این میان داروهایی چون دیفنوکسیلات، ترامادول و کلونیدین نیز برای ترک اعتیاد مصرف زیادی دارند.

### هرویین

یکی از قوی‌ترین مواد مخدر که توانست در تخریب و ویرانی شهر وجودی انسان و گسترش پدیده اعتیاد در سطحی وسیع عمل کند هرویین است. در اواخر قرن نوزدهم مصرف تریاک در اروپا به شکل گسترده‌ای رواج یافته بود و مردم برای درمان بسیاری از بیماری‌ها مانند وبا که ناشی از آلودگی محیط زیست زمانه بود به مصرف تریاک روی آورده و سپس بدان معتاد شدند. پزشکان آن زمان در اروپا به دنبال دارویی بودند تا بتواند در درمان و یا ترک اعتیاد به تریاک مؤثر باشد. ظاهراً برای اولین بار داروسازی بایر آلمان در سال ۱۸۹۶ از ترکیب انیدرید استیک و مرفین خالص، داروی «هرویین» را ساخت.<sup>۲</sup>  
 نام هرویین از واژه یونانی «هیرو» به معنی «هرمان» گرفته شده است. در این فرایند از یک کیلوگرم مرفین حدود ۹۰۰ گرم هرویین به دست می‌آمد که به آن «دی استیل مرفین» نیز گفته می‌شود. کاربرد هرویین برای اولین بار به عنوان داروی ترک اعتیاد بود؛ اما پزشکان آن زمان نمی‌دانستند که چه اشتباه بزرگی را مرتکب شده‌اند و چه ماده خطرناکی را به عنوان دارو به بازار عرضه کرده‌اند. این آغازی بود برای ظهور گسترده و مخرب‌ترین نوع اعتیاد که در جای جای کره خاکی قربانی گرفته و می‌گیرد و شعله‌های ویرانگر آن هنوز هم زبانه

۱. سایت اینترنتی [www.congress60.org](http://www.congress60.org)

۲. همان.

می‌کشد.<sup>۱</sup>

### کریستال

کریستال (شیشه در اصطلاح عام) از جمله مواد مخدر و روان‌گردان نسبتاً جدید است که ترکیبی شبیه گرانول دارد. این ماده موجب سرخوشی موقت، نشاط و انرژی کاذب می‌شود که البته در درازمدت تأثیرات نامطلوب زیادی بر سلامتی دارد.

کریستال حین ورود به بازار تحت عناوین اعتیادآور نبودن، ضرر نداشتن، مفید برای سلامتی و شادی‌آوری، و تمرکز و فعالیت‌های فکری مشتریان زیادی را به‌ویژه از میان مصرف‌کنندگان مواد مخدر برای خود دست و پا کرد. بعد از اطلاع‌رسانی رسانه‌ها در رابطه با مضرات آن و اقدامات پیشگیرانه ستاد مبارزه با مواد مخدر، بخشی از بازار مصرف خود را از دست داد. به همین دلیل، عرضه‌گران و قاچاقچیان مواد مخدر تلاش کردند با تغییر شکل، رنگ و نام آن، بار دیگر این ماده مخدر خطرناک را با قالبی جدید به بازار مصرف وارد کنند.

این ماده از دانه‌های گرد که بوسیله رشته‌هایی از جنس خود به هم پیوسته درست شده، مخلوطی از آمفتامین و شیشه است که با ۲ یا ۳ اسید بسیار خطرناک ترکیب شده و به شکل تسبیح مانند درآمده است.

این ماده مخدر که به نام «تسبیح» نیز معروف است، به شکل دهانی و کشیدنی مصرف می‌شود و استفاده دهانی آن موجب تأثیر فوری بر مغز خواهد شد که این شیوه مصرف عوارضی مانند سکتة مغزی، فراموشی، کاهش شدید نور چشم و از بین‌روی حس چشایی را در پی خواهد داشت.<sup>۲</sup>

۱. صالح بن فوزان، المخدرات فی فقه الاسلامی، نرم‌افزار مکتبة الشاملة، ص ۲۲.

۲. سایت اینترنتی [www.congress60.org](http://www.congress60.org).

### ملوان

ملوان، ماده مخدر جدیدی است که با نام‌های مختلف از جمله «ملوان زبل» و با ظاهری کاملاً متفاوت وارد ایران شده است و سلامت جوانان و نوجوانان را تهدید می‌کند.

این ماده متشکل از آرسنیک، ناس و مواد شیمیایی مختلف است و تحت پوشش آدامس، پاستیل و پودر به‌عنوان خوشبوکننده دهان و غالباً با طعم نعنا در بسته‌بندی‌های آلومینیومی و با تصاویر جذاب رنگی عرضه می‌شود.<sup>۱</sup> ملوان در قالب‌های فانتزی و لوکس با عناوین مختلفی چون ملوان زبل، اسفناج، پان پراگ، پان عربی و پان پاکستانی ارایه می‌شود، که ظاهرش شیک و بسته‌بندی فریبنده‌اش عاملی برای جذب نوجوانان به شمار می‌آید.

### کوکائین

کوکائین از برگ بوته کاکائو که عمدتاً در آمریکای جنوبی کشت می‌شود استخراج می‌گردد و قرن‌ها مورد استفاده سرخپوستان است. مصرف این ماده برای مبارزه با گرسنگی در حین کار سخت بوده و حتی تاثیر آن در اواسط قرن هجدهم مورد تحسین و تمجید افرادی از جمله فروید نیز قرار گرفته است. این ماده تا سال ۱۹۰۶ میلادی محتوای اصلی کوکاکولا بوده و نیز به‌عنوان داروی بیهوشی استفاده می‌شده است.<sup>۲</sup>

استفاده گسترده و اعتیاد به این ماده باعث شد تا اوایل قرن ۱۹م، دولت‌ها علیه مصرف این مواد به اقداماتی دست زنند. گذشته بر این، در دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰م کوکائین به عقیده بسیاری امن و بی‌خطر اعلام شده بود. اما با انباشته‌شدن شواهد پزشکی در رابطه با تأثیر زیان‌بار آن، دولت‌ها و مردم بار دیگر در رابطه با استفاده روزافزون این ماده اعلام خطر کردند.

در حال حاضر اعتیاد به کوکائین از جدی‌ترین مشکلات مربوط به مواد مخدر در دنیا و به‌ویژه آمریکا است.

۱. همان.

۲. صالح بن فوزان، المخدرات فی فقه الاسلامی، نرم‌افزار مکتبه الشامله، ص ۲۳.

## حشیش

حشیش ماده‌ای است که از زمان‌های بسیار قدیم تا به امروز به‌منظور خروج از حالت تعادل طبیعی، مورد استفاده بشر بوده و هست. این ماده، از درختچه‌ای به نام شاهدانه و یا کانابیس به‌دست می‌آید.

موادی که از قسمت‌های مختلف این گیاه به‌دست می‌آید، نام‌های مختلفی دارند؛ بنگ که جوشانده ترکیب ساقه و برگ گیاه است و بدان روغن حشیش نیز می‌گویند، حشیش، گرس یا علف (ماری‌جوانا) که از خشک و پودرکردن برگ‌های گیاه شاهدانه به‌دست می‌آید.

تصور عامه مردم این است که حشیش یا مواد هم‌خانواده آن، ضرری چون مورفین ندارد پس اعتیاد هم ندارند و اگر دارد، اعتیاد یا وابستگی آن روحی و روانی است، درحالی‌که اعتیاد به این مواد بر روی جسم است و روی سیستم ضد درد یا تولیدکننده مواد شبه افیونی جسم اثر می‌گذارد و باعث تخریب آن می‌شود. این سیستم، قوی‌ترین مواد مخدر طبیعی و شبه افیونی را تولید می‌کند و بعضی از آنها نظیر دینورفین، ۲۰۰ برابر مورفین خالص، قدرت تخدیر و تسکین دارند. تخریب این سیستم و بروز اختلالات جسمی، باعث بروز عوارض روانی هم می‌شود.<sup>۱</sup>

مهم‌ترین اثرات مصرف حشیش، توهم، خیره‌شدن و خیره‌ماندن به نقطه‌ای خاص، گریه و خنده غیر طبیعی، پرخوری شدید (نشئه‌خوری)، اختلال در درک زمان، مکان و فواصل است. و نیز مهم‌ترین عارضه طولانی مدت مصرف آن، اختلال در حافظه، فراموشی و توهمات عجیب و غریب و در نهایت دیوانگی است.<sup>۲</sup>

۱. سایت اینترنتی [www.congress60.org](http://www.congress60.org).

۲. صالح بن فوزان، المخدرات فی فقه الاسلامی، نرم‌افزار مکتبه الشامله، ص ۲۳.

### آیس (شیشه، کریستال)

وجه تسمیه این ماده مخدر، شکل ظاهری آن است که شبیه شیشه‌ای خرد و پودر شده و یا تکه‌های ریز یخ و خرده‌های ریز نبات است. به این دلیل در کشور ما به آن شیشه می‌گویند اما در اروپا و آمریکا بیشتر به نام آیس شناخته می‌شود. شابو نیز که در آسیای جنوب شرقی و خاور دور رواج دارد شباهت‌هایی با این ماده دارد.

تحقیقات نشان می‌دهد که مهم‌ترین ترکیب این ماده مخدر، آمفتامین است. سابقه تولید و مصرف آمفتامین به قبل از جنگ جهانی دوم می‌رسد. این دارو در زمان جنگ جهانی دوم یا به منظور رفع افسردگی سربازان و یا برای بالابردن سطح انرژی نیروهایی که قرار بوده چندین شبانه‌روز به صورت پیوسته به نبرد مشغول باشند و فرصت استراحت نداشتند کاربرد داشته است.

با گذشت زمان و تشخیص عوارض خطرناک این ماده و اعتیاد به آن، کاربرد این ماده به عنوان دارو به تدریج کنار گذاشته شد؛ اما سوداگران و تولیدکنندگان آن به تهیه و پخش آن ادامه دادند. شاید اولین و مهمترین ماده مخدری که از آمفتامین به دست آمد و در سطح وسیع مورد مصرف قرار گرفت اکستازی باشد. قرص اکستازی از چندسال پیش به ندرت در کشور ما مشاهده و مصرف می‌شد؛ اما در سال‌های اخیر مصرف آن افزایش یافت و انواع و اقسام این قرص در بازار قاچاق مشاهده می‌شود.<sup>۱</sup>

### قرص اکستازی

اکستازی، جزو داروهای شیمیایی است که اثر تحریک و توهم‌زایی دارد. این دارو بیشتر به صورت قرص و یا کپسول تولید و توزیع می‌گردد، گرچه بسیاری از قرص‌هایی که امروزه با این عنوان در بازار به فروش می‌رسد از ترکیبات غیر متعارف ساخته شده و لذا تقلبی و دست‌سازند. به علت نداشتن نشان تجاری، درجه خلوص متفاوت و ترکیبات شیمیایی نامشخص، تأثیرات

۱. سایت اینترنتی [www.congress60.org](http://www.congress60.org).

این گونه داروها، متغیر و نامعلوم است.<sup>۱</sup>

### تاریخ اکستازی

اکستازی برای نخستین بار، طول سالیان ۱۹۱۴-۱۹۱۲ توسط کمپانی داروسازی آلمان و با عنوان کم‌کننده اشتها تولید و مورد استفاده قرار گرفت و به علت اثرات جانبی از رده مصرف خارج شد. در این باره، اطلاعات و تاریخچه روشنی از آن زمان تا سال ۱۹۵۰ وجود ندارد. در دهه ۱۹۷۰ روان‌پزشکان در روان‌درمانی برای شکستن دفاع روانی، کمک به بیان احساسات بیماران و ایجاد همدلی استفاده می‌کردند. در دهه ۱۹۸۰ مصرف گسترش یافت و در سال ۱۹۸۵ تولید غیر قانونی آن رواج پیدا کرد و لذا مصرف آن ممنوع اعلام شد. تخمین زده می‌شود که در سال ۱۹۸۹ ماهیانه حدود سی هزار قرص تولید شده باشد. مصرف اکستازی به سبب فعال‌سازی سیستم روانی- حرکتی رفته‌رفته در پارتی‌های شبانه و... افزایش یافت.

### علائم و آثار مصرف

تظاهرات مصرف اکستازی پس از ۲۰ تا ۴۰ دقیقه بروز و ۴ تا ۵ ساعت در یک حد حفظ و سپس به تدریج اثرات آن کاهش می‌یابد. مصرف اکستازی حس سرخوشی، آرامش (احساس رضایت از وضع موجود)، افزایش انرژی بدن، احساس اعتماد (نزدیکی و تعلق به دیگران)، احساس عشق و یک‌دلی، احساس گرمی و وابستگی به دیگران، برخی پیشنهادها معنوی، حس قدرت و... را منتقل می‌کند.

### اثرات منفی:

- اختلالات (تیره و تارشدن) بینایی؛
- حرکات غیر طبیعی چشم؛
- دندان قروچه (ساییدن دندان)؛
- افزایش ضربان قلب و فشار خون؛
- لرزش؛

۱. همان.

- افزایش بیش از حد دمای بدن؛

- اضطراب، تشویش و نگرانی؛

- تشنج و حمله.

### **اثرات منفی شدیدتر:**

- اختلال خواب، کابوس‌های شبانه؛

- تغییر در ادراک زمان؛

- بی‌پروایی، تندخویی، بی‌قراری و تحریک‌پذیری؛

- اختلال در مکانیسم نعوظ و نرسیدن به اوج لذت جنسی؛

- عدم تمرکز، فراموش کاری؛

- افسردگی و افت شدید خلق؛

- بدبینی؛

- کاهش گرایش به کارهای فکری و جسمی؛

- تسریع در بروز آلزایمر.<sup>۱</sup>

### **انواع الک**

از نظر دانش شیمی هر ماده‌ای که در فرمول شیمیایی آن، عامل هیدروکسیل وجود داشته باشد، یک الک محسوب می‌شود. الک از مشتقات هیدروکربن‌ها است که در آنها هر مولکول، ترکیبی از چند اتم هیدروژن و کربن است و بنابر تعداد عامل، الک‌ها را یک یا چند ظرفیت می‌گویند.<sup>۲</sup> الک انواع زیادی دارد که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

### **الف) الک متیلیک**

ساده‌ترین الک‌ها، الک متیلیک است که مبنای الک‌های یک ظرفیتی است. این الک از تقطیر چوب به دست می‌آید و از این رو به آن عرق چوب نیز می‌گویند. این ماده مایعی بی‌رنگ است که در ۶۶ درجه سانتی‌گراد می‌جوشد،

۱. همان.

۲. نرم‌افزار مکتبه‌الشامه، الک و فراورده‌های آن در فقه اسلامی، ص ۵.

با شعله کمی آبی رنگ می سوزد و چون با آب مخلوط گردد، تقلیل حجم یافته و تولید حرارت می کند.

الکل متیلیک، در صنایع رنگ سازی کاربرد دارد. به علاوه سمی قوی است که با شرب ۸ تا ۱۰ گرم آن، اختلال در هاضمه و اغلب کوری را در پی دارد. پس از الکل متیلیک یا متانول، بقیه الکل های یک ظرفیتی/عاملی را به الکل های نوع اول، دوم و سوم طبقه بندی می کنند. اتانول، در زمره الکل های نوع اول است. هم چنین الکل های دو ظرفیتی و سه ظرفیتی و... نیز وجود دارد که می توان از ضد یخ به عنوان الکل دو ظرفیتی/دو عاملی اشباع و گلیسرین به عنوان الکل سه ظرفیتی نام برد.

### ب) الکل اتیلیک

اگر واژه الکل بدون هیچ پسوند یا پیشوندی به کار رود، مقصود الکل اتیلیک یا اتانول است که معروف ترین انواع الکل می باشد. موضوع بحث ما الکل اتیلیک یا اتانول است و در این مقاله، هرجا واژه الکل را بدون اضافه به کار بریم مقصودمان همین نوع الکل است.

### ویژگی ها و آثار الکل

الکل اتیلیک در ۳/۷۸ درجه سانتی گراد به جوش می آید و در ۱۱۴- درجه ذوب می شود. الکل مطلق، آب گونه ای بی رنگ و زود آتش گیر، با بویی ویژه است و در برودت زیاد ابتدا قوام آمده و سپس مانند شیشه منجمد می گردد. الکل برخلاف پندار بعضی، اثر تحریکی بر اعضای بدن ندارد؛ بلکه اثر آن تخدیر یعنی تضعیف فعالیت های بدن و کاستن از دقت در انجام رفتارهای گوناگون است. در کتاب های علمی نیز الکل را در ردیف تخدیرکننده هایی مانند اتر می آورند. یکی از دانشمندان در این زمینه می گوید: «این واقعیت که افراد تحت تأثیر الکل، خجالت شان از بین می رود و زیاد حرف می زنند، به علت اثر تحریکی الکل بر مغز نیست؛ بلکه به دلیل از بین رفتن کنترل است که مراکز عالی مغز در میانه روی و اعتدال شخص از خود انجام می دهند.» به هر حال، تمامی مشروبات الکلی، حاوی مقداری الکل می باشند و

هرگونه آثار تخدیری که از مشروبات الکلی بروز می‌کند مربوط به وجود این‌ماده در آنهاست. میزان این‌تخدیر که ما از آن به «مستی» تعبیر می‌کنیم، بستگی به درصد الکلی موجود در آن دارد. چنان‌چه شخص مقداری الکلی بنوشد، نزدیک ۱۵ درصد آن سریع توسط جدار معده داخل در خون و بقیه در امعاء وارد می‌گردد. مقداری هم ممکن است به وسیله ریتین یا با ادرار خارج شود. ولی قسمت اعظم آن در هر حال در بدن می‌ماند و در آنجا به‌طور تدریجی اکسیدشده و احتیاجی به هضم و گوارش ندارد.

کبد انسان قادر است در هر ساعت، ۸ گرم الکلی را اکسید کند. مقادیر زیادتر در جریان خون ظاهرشده ولی غلظت کم‌تر از ۰/۵٪ علامتی در شخص به وجود نمی‌آورد. از این غلظت به بالاست که علائمی نظیر کاهش توازن اعمال فیزیکی و اختلال در دید پیش خواهد آمد.

غلظت بالاتر از ۰/۲۵٪ علایم مشخصی به وجود می‌آورد و اگر غلظت به ۱٪ در خون برسد، اختلال تنفسی و قلبی و در پایان مرگ ایجاد می‌شود، هرچند مقدار کشنده آن برحسب افراد فرق می‌کند.

پیتروکوپر نیز در این‌باره می‌نویسد: «الکلی از تمام راه‌ها جذب بدن می‌شود ولی جذب آن از راه دهان و معده بسیار کم است. روده کوچک ۸۰٪ یا بیش‌تر مقدار خورده شده را جذب می‌کند. کم‌تر از ۱۰٪ بی‌تغییر از راه ادرار و تنفس دفع می‌شود. الکلی در بافت‌ها به سرعت منتشرشده و در حدود ۸ گرم در ساعت اکسید و به گاز کربنیک و آب تبدیل می‌شود. بنابراین مهم‌ترین اثر الکلی، تضعیف دستگاه اعصاب مرکزی است. الکلی در نتیجه تأثیر بر روی اعصاب، در رگ‌ها واکنش ایجاد می‌نماید و خون را به سطح بدن جریان می‌دهد. الکلی از این طریق، پوست را قرمز و ابتدا در بدن ایجاد حرارت می‌نماید. اما این اثر دیری نمی‌پاید؛ چراکه پس از مدت کوتاهی، بدن حرارت خود را تا دو برابر از دست می‌دهد.

۱. نرم‌افزار مکتبه‌الشمائله، الکلی و فراورده‌های آن در فقه اسلامی، ص ۵.

شخصی کہ الکحل می‌نوشد ابتدا فعالیت او بیش از حد معمول می‌شود و به ترتیبی که ذکر شد، درجه حرارت بدن بالا رفته و تنفس شدید می‌شود. آن‌گاه مرکز تکلم در مغز تحت تأثیر الکحل قرار گرفته و شخص پُرچانگی می‌کند. سپس مرکز سمعی مغز متأثر شده و شخص صداهای بی‌خود می‌شنود و بعد از آن، مرکز بینایی مغز دچار اختلال گشته و شخص تصاویر موهوم می‌بیند. در نهایت مرکز حفظ تعادل فرد، تحت تأثیر الکحل قرار گرفته و توازن اعمال فیزیکی‌اش را از دست می‌دهد.

بدین ترتیب با نوشیدن الکحل، خویشتن‌داری انسان که منشأ حجب و حیا است، تقریباً از بین رفته و باعث بروز اعمال ناهنجار می‌شود.

از دید متخصصین اعصاب و روان، الکحل، عالی‌ترین اعمال توقفی را فلج می‌کند و انسان را به سیرت و منش عاری از ملکات اخلاقی و بری از دانش و بینش سوق می‌دهد.

الکحل علاوه بر مضرات روحی و روانی، آثار مخرب دیگری نیز بر دستگاه‌های مختلف بدن می‌گذارد؛ به عنوان نمونه، باعث سوء هاضمه و اختلال دستگاه گوارش و کبد می‌شود؛ زیرا به علت جذب‌کنندگیِ رطوبت در آن، آلبومین‌های سلول‌های کبد و معده را منعقد می‌کند. در نتیجه معده اسیدکلریدریک پس نمی‌دهد. در نتیجه سلول‌های کبد حالت مومی شکل (تشمع کبدی) به خود می‌گیرند.

از لحاظ علم ژنتیک نیز اکثر فرزندان افراد الکلی، مبتلا به روان‌پریشی شدید هستند و به همین جهت، عقب‌ماندگی‌های مختلف شعوری در آنان ایجاد می‌شود.<sup>۱</sup>

۱. همان.

## فصل دوم. حکم شرعی مواد روان گردان

ابتدا باید دانست که مواد روان گردان خود موضوع هیچ دلیل شرعی نیست و این عنوان هرگز در آیه یا روایتی نیامده است؛ چه اینکه مواد مزبور در صدر اسلام یعنی زمان تشریع احکام وجود نداشته تا حکم ویژه آن از ناحیه شارع به طور صریح بیان شود.

اما به لحاظ اینکه در متون روایی و ادله، بحث خمر و اسکار مطرح شده است، بنابراین باید دید آیا عنوان خمر یا مُسکر بر مواد روان گردان نیز صادق است یا نه؟ و برفرض صدق، آیا دلایلی که بر حرمت، نجاست و سایر احکام خمر یا مسکر ابراز شده می تواند شامل این مواد نیز باشد؟

### بخش اول. حکم فقهی مواد روان گردان

#### نجاست مواد روان گردان

مواد روان گردان به دو بخش مشروبات الکلی و جامدات مثل حشیش تقسیم می شود. از این جهت برای بررسی نجاست این مواد به طور جداگانه به این مواد می پردازیم.

#### ادله نجاست شراب و سایر مشروبات الکلی

برای اثبات نجاست خمر به دلایل گوناگون استدلال شده که می توان آنها را در سه دسته جای داد: قرآن، سنت، اجماع.

#### الف. قرآن

خداوند، حکم حرمت خمر را به صورت تدریجی، به ترتیب در آیات ۶۷ نحل، ۲۱۹ بقره، ۴۳ نساء و سرانجام آیه ۹۰ سوره مائده بیان نمود. در آیه اخیر می خوانیم: «ای مؤمنان شراب و قمار و انصاب (بتان) و ازالام (تیرهای مخصوص تفأل) پلید و عمل شیطانی است. از آن پرهیز کنید تا رستگار شوید.» استدلال به آیه مزبور بر دو نکته استوار است: اول، آنکه واژه «رجس» مترادف با نجاست و یا دست کم به معنای پلیدی است که شامل نجاست ظاهری و شرعی است.

دوم، معنای اجتناب آن است که در هر جانبی که خمر بود ما در جانب

دیگر باشیم. این، مستلزم دوری گزیدن از خمر در تمام اشکال آن است. از سوی دیگر، ظاهر امر به انجام کاری، واجب بودن آن است و نتیجه وجوب اجتناب و پرهیز از خمر، نجس بودن این مایع است. بدین ترتیب از دو طریق می توان به آیه ۹۰ مائده برای اثبات نجاست خمر استدلال کرد.

برخی از فقیهان عامه برای نجاست خمر به آیه ۲۱ انسان استدلال کرده اند. در این آیه از ویژگی های نوشیدنی آخرت، پاک بودن آن است: «و سقاھم ربهم شراباً طھوراً» و لذا گفته اند: اگر شراب دنیا پاک بود، دلیلی نداشت که بر مؤمنان منت گذاشته و شراب آخرت را پاک اعلام کند.<sup>۱</sup>

### ب. سنت (دلیل روایی)

روایات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام هر یک به گونه ای اشاره بر نجاست خمر دارند. ولی از آنجا که مبنای این اثر بر اختصار است، تنها به نقل روایاتی که از جهت دلالت و سند قابل استناد است، اکتفا می کنیم. این روایات معمولاً در دو باب ذکر می شود: ابواب مربوط به نجاسات، و ابواب مربوط به نوشیدنی های حرام (اشربه محرّمه). در ابواب دیگر نیز کم و بیش احادیثی در این زمینه یافت می شود که به آنها نیز اشاره خواهیم کرد.

۱. در یک روایت صحیح، عبدالله بن سنان از پدرش نقل می کند که وی از امام صادق<sup>۷</sup> پرسید شخصی لباس خویش را به کسی که گوشت جری (مارماهی) می خورد و یا خمر می نوشد، عاریه می دهد و آن را باز پس می گیرد، آیا می تواند قبل از شست و شو در آن نماز بخواند؟ امام می فرماید: «لا یصلّی فیه حتی یغسله».

بدیهی است جایز نبودن نماز در لباس مزبور - که مستفاد از ظاهر نهی است - دلیلی به جز نجاست آن نمی تواند داشته باشد. به عبارت دیگر این مثل طلا یا حریر نیست که همراه بودن آنها با نمازگزار، مانع درستی نماز می باشد، به

۱. نرم افزار مکتبه الشامله، الكل و فرآورده های آن در فقه اسلامی، بخش ۶، ص ۱.

ویژه که خمر هم اکنون خشک شده و عین آن باقی نمانده است. نهایت حکم مذکور در جایی است که عاریه‌دهنده بداند که لباس او آلوده به خمر شده است و در صورت شک، اصل طهارت در آن جاری خواهد بود.

۲. در مؤثقه عمّار ساباطی، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «در خانه‌ای که خمر و یا مسکر دیگری وجود دارد، نماز نخوان! زیرا ملائکه در چنین خانه‌ای وارد نمی‌شوند، و در لباسی که آلوده به خمر و یا مسکر دیگری است، قبل از شست‌وشوی آن، نماز نخوان.»  
ظاهر نهی از نمازخواندن در لباس آلوده به خمر، چنان‌که آمد، نجس‌بودن آن است. اما حکم اول یعنی نماز در خانه‌ای که خمر در آن وجود دارد فقط کراهت دارد، ضرری به استفاده آنچه از روایت گفتیم ندارد؛ چراکه در آن، دو حکم جداگانه ذکر شده است.

البته می‌پذیریم که این دوگانگی، ظهور قوی این روایت را تا اندازه‌ای دچار تزلزل می‌کند ولی به حدی نیست که آن را از امکان استدلال ساقط کند.

۳. در مؤثقه دیگر، عمّار ساباطی از امام صادق علیه السلام درباره ظرفی که قبلاً در آن شراب بوده می‌پرسد که آیا می‌توان اکنون در آن سرکه یا آب‌کامه یا زیتون ریخت؟ امام می‌فرماید: «هرگاه شسته شود ایرادی ندارد.» در خصوص ابریق نیز همین را می‌گوید. اما درباره قدح یا ظرفی که در آن خمر می‌نوشیده‌اند می‌فرماید: «سه مرتبه آن را بشوی» بلکه در پاسخ به این سؤال که آیا آب ریختن به تنهایی کفایت می‌کند، تأکید می‌کند: «ریختن آب به تنهایی کافی نیست مگر آن که دست بکشد و سه بار آن را بشوید.»

در این روایت، نجاست خمر به چند عبارت بیان شده است، به ویژه که در قسمتی از آن، چندبار آب ریختن را لازم دانسته است.<sup>۱</sup>

۱. نرم افزار مکتبه الشامله، الكل و فرآورده های آن در فقه اسلامی، ص ۳.

### ج. اجماع

یکی از دلایلی که معمولاً برای اثبات نجاست خمر مطرح می‌شود، اجماع است. صاحب جواهر از کسانی است که بر روی این دلیل تأکید می‌ورزد. بدیهی است به دست آوردن اجماع در زمان صاحب جواهر بسیار مشکل بلکه غیر ممکن بوده است. بنابراین باید دید در میان پیشینیان، چه کسانی ادعای اجماع کرده‌اند؟

۱. امامیه: سید مرتضی از اولین فقیهانی است که سخن از اتفاق فقها در مسئله نجاست خمر را به میان آورده است. وی می‌گوید: میان مسلمانان خلافتی در این مسئله نیست مگر افراد نادری که اعتباری به قول آنان نیست. هم چنین سید ابوالمکارم بن زهره در کتاب «غنیه» در مورد مسئله نجاست خمر، ادعای نبود خلاف در میان فقیهان امامیه می‌نماید. پس از این دو شیخ طوسی و آن‌گاه ابن‌ادریس و سپس فقیهان دوره‌های بعد، هر یک همین ادعا را تکرار کرده‌اند.

۲. اهل سنت: فقیهان اهل سنت هم چون ابن‌قدامة حنبلی، قاضی ابن عربی مالکی، ابن حجر عسقلانی و غیر اینها ادعای اجماع و عدم خلاف در میان «اهل علم» در خصوص نجاست خمر نموده‌اند. البته بسیاری دیگر از آنان بدون آنکه نقل اجماع کنند، فتوا به نجاست خمر داده‌اند؛ مانند ابوحامد غزالی، قاضی ابوبکر مسعود کاسانی، شیرازی صاحب المهدب و غیر اینها.<sup>۱</sup>

### دلایل طهارت خمر و ارزیابی آنها

از میان امامیه، کسانی چون شیخ صدوق، ابن ابی‌عقیل و جعفری از پیشینیان و محقق اردبیلی و غیر او از متأخران، نوشیدن خمر را حرام ولی آن را پاک می‌دانند.

دلایل این گروه نیز هم چون تعدادشان، محدود است و از دلیل روایی تجاوز نمی‌کند. ما نیز به دلیل رعایت اختصار تنها به روایاتی که از لحاظ سند و

۱. رک: همان، ص ۱۰.

دلالت معتبرند اکتفا می‌کنیم:

۱. در روایتی حسن بن ابی ساره، از امام علیه السلام سؤال می‌کند: مقداری خمر به لباسم ترشح شده است، آیا می‌توانم قبل از شست‌وشو در آن نماز بخوانم؟ امام پاسخ می‌دهد: «لا بأس، انّ الثوب لا یسکر» چنان‌که می‌بینیم امام، نماز در لباسی را که خمر به آن رسیده بدون نیاز به شست‌وشو تجویز می‌نماید، و این دلیلی جز طهارت خمر نمی‌تواند داشته باشد.

۲. در موثقه ابن‌بکیر آمده که گفت: من نزد امام صادق علیه السلام بودم که شخصی از حضرت در خصوص مُسکر و نبیذ که به لباس رسیده سؤال نمود، امام پاسخ داد: «اشکالی ندارد».

مقصود امام از این جمله چیزی جز نمازخواندن در لباس مزبور نیست و همان‌طور که گفتیم این پاسخ در ذهن یک فرد مسلمان، طهارت خمر را تداعی می‌کند. نهایت آنکه این حدیث اعم از خمر و سایر مشروبات الکلی است و به اطلاق خویش شامل آن نیز می‌گردد.

۳. در روایت دیگری که به طرق معتبر از امام باقر و امام صادق علیه السلام نقل شده، پرسیده‌اند: لباس‌هایی خریداری می‌کنیم که در نزد بافندگان آنها آلوده به خمر و پیه خوک می‌گردد، آیا می‌توانیم قبل از شست‌وشو در آن نماز بخوانیم؟ هر دو امام در پاسخ می‌گویند: «ایرادی ندارد. خداوند خوردن و نوشیدن آن را حرام کرده ولی پوشیدن و تماس با آن و نماز در آن را تحریم نکرده است».

اشکالی در دلالت این حدیث در خصوص خمر نیست. جز اینکه در کنار آن، شحم خنزیر (پیه خوک) نیز پاک دانسته شده و این قطعاً مخالف با حکم واقعی است و این، اعتبار روایت را تا حدودی متزلزل می‌سازد.

۴. در صحیح‌ه علی‌بن رثاب، از امام صادق علیه السلام می‌پرسد، خمر و نبیذ مسکر به لباسم رسیده، آیا می‌توانم در آن نماز بخوانم یا قبلاً باید آن

را بشویم؟ حضرت می‌فرماید: «صَلِّ فِيهِ إِلَّا أَنْ تَقْذَرَهُ فَتَغْسِلَ مِنْهُ مَوْضِعَ الْأَثَرِ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى أَنَا حَرَمٌ شَرِبَهَا».

چنان که دیدیم تجویز نماز در چنین لباسی در ذهن فرد مسلمان چیزی جز پاکی خمر را تداعی نمی‌کند.

### راه‌های حل تعارض میان روایات

از آنچه تاکنون گفتیم ثابت شد که هر یک از دو نظریه نجاست یا طهارت خمر، دلیل روایی معتبر دارد، طوری که هر دو دسته از روایات به خودی خود می‌تواند طهارت یا نجاست آن را ثابت نماید.

اکنون ببینیم چه راه حل‌هایی برای تعارض مزبور می‌توان یافت؟

### الف) جمع عرفی

روایات نجاست، به صراحت دلالت می‌کند که از نظر شارع، آب کشیدن چیزی که آلوده به خمر شده مطلوب است؛ ولی در اینکه خمر، عین نجس باشد تنها ظهور دارد. از سوی دیگر روایات طهارت، به صراحت دلالت می‌کند که شی آلوده به نجاست را می‌توان بدون نیاز به شست‌وشوی آن، به کار گرفت؛ مثلاً در لباسی که خمر بدان رسیده، می‌توان قبل از شست‌وشو نماز خواند. اکنون از ظهور هر یک از دو دلیل، به خاطر صراحت دلیل دیگر، رفع ید می‌کنیم. این راهی است که عرف در موارد مشابه اتخاذ می‌کند.

نتیجه این راه حل این است که روایات نجاست را بر استحباب حمل کرده و از ظهور آنها در نجس بودن خمر دست برمی‌داریم. بنابراین خمر پاک است ولی لباس آلوده به آن، بهتر است آب کشیده شود.

### نقد نظریه

راه حل «حمل ظاهر بر نص» در موردی است که هرگاه دو روایت مزبور را به عرف ارایه کنیم، آنان بدون هیچ سرگردانی و تحیر، از ظاهر یک روایت دست برداشته و بر نص روایت دیگر حمل کنند.

درحالی که دو دسته روایت مورد بحث، چنین حالتی ندارند. در یک طرف امام فرموده در لباس آلوده به خمر قبل از شست‌وشوی آن نمی‌توان نماز خواند،

و یا آبی (ولو یک قطره) که بدان خمر رسیده، باید همه‌اش را بیرون ریخت، و یا ظرف آلوده به خمر را باید قبلاً دست کشید و آن‌گاه سه یا هفت مرتبه شست‌وشو داد.

لسان این روایات، قابل حمل بر استحباب نیست و نمی‌توان از مفاد آنها به صرف چند روایت که دلالت بر جایز بودن نماز در لباس آلوده به خمر می‌کند، دست برداشت.

### ب) اعراض مشهور از روایات طهارت

براساس این راه حل، همین‌که مشهور فقیهان از روایات طهارت روبرگردانده‌اند، نشان می‌دهد که این روایات، خللی دربرداشته، به خودی خود حجت نیستند. در واقع این مورد از مصادیق تعارض حجت با غیر حجت است و نه مصداق ترجیح حجت بر حجت دیگر.

به عبارت دیگر، تعارض واقعی در جایی است که هر دو روایت، تمامی شرایط لازم برای اعتبار و حجیت را دربرداشته باشند؛ اما اینجا از اعراض مشهور، پی می‌بریم که روایات طهارت، برخی از شرایط مزبور را دارا نبوده است. بدین ترتیب تنها باید به روایات نجاست، عمل کرد.

### ج) مخالف بودن روایات طهارت با قرآن

روایات مربوط به مخالفت حدیث با کتاب بر دو گونه است: در یک‌جا اصولاً صدور این‌گونه روایات از سوی امامان معصوم نفی شده است. مطابق این روایات، هر حدیثی که مخالف با کتاب خدا باشد، معتبر نیست، خواه معارضی داشته یا نداشته باشد. به عبارت دیگر، روایات مزبور در مقام تمییز حجت از غیر حجت است نه ترجیح حجت بر حجت دیگر. در جای دیگر از دو روایت که هر دوی آنها معتبرند، هر کدام که مضمون آن با قرآن موافق باشد، ترجیح یافته و بدان عمل می‌شود. اکنون می‌توان گفت روایات مربوط به طهارت خمر، مخالف قرآن است؛ چراکه قرآن، خمر و قمار و... را «رجس» دانسته است و طهارت خمر با این آیه تنافی دارد.

بدین ترتیب روایات فوق اصولاً حجت نیست و بر فرض حجت باشد، باید روایات نجاست را در مقام تعارض، ترجیح داد.

#### (د) وجود تقیه در روایات طهارت (مرجّح علاجی)

##### نجاست سایر مشروبات الکلی

تردیدی نیست که اگر بر یک مایع مست‌کننده عرفاً لفظ «خمر» صادق بود، طبق بحث‌های گذشته، نجس است. اکنون اگر مایعی سکرآور است ولی لفظ خمر بر آن اطلاق نمی‌شود، آیا آن نیز تمامی احکام خمر را دارد؟ مثلاً آیا نوشیدن قطره‌ای از آن، هرچند فعلاً مستی به بار نمی‌آورد، حرام است و نوشیدن آن مجازات اسلامی در پی خواهد داشت؟

در این مسئله از مذاهب اهل سنت، حنفیه اختلاف شدیدی با سایرین دارد. مکتب حنفی معتقد است لفظ «خمر» تنها بر شرابی که از تخمیر انگور به دست آید، اطلاق می‌شود. در نتیجه آیه تحریم خمر، اختصاص به شراب انگوری دارد. سایر مشروبات سکرآور به این دلیل که علت تحریم (مست‌کنندگی) در آنها نیز وجود دارد، حرام هستند.

سایر مکتب‌های فقهی اهل سنت، معتقدند آیه تحریم خمر همه انواع شراب را در برمی‌گیرد؛ چرا که اولاً در زمان نزول آیه مزبور، بیش‌تر مشروبات مست‌کننده موجود در مدینه، از خرما به دست می‌آمد که با وجود این، مسلمانان با شنیدن آیه تحریم، شراب‌های خود را در کوچه می‌ریختند؛ ثانیاً روایاتی از رسول گرامی مبنی بر اینکه «هر مست‌کننده‌ای خمر است» نقل شده است؛ ثالثاً در روایات دیگری تصریح شده که خمر از پنج چیز گرفته می‌شود: گندم، جو، کشمش، خرما و عسل. بنابراین لفظ «خمر» شامل تمامی نوشیدنی‌های سکرآور خواهد بود.<sup>۱</sup>

نقل پاسخ‌های فقیهان حنفی و نقد دلایل طرفین در این رساله چندان مفید نیست؛ زیرا حنفی از استدلال خود چنین نتیجه می‌گیرد که نوشیدن مشروبات سکرآور به غیر از خمر، مادامی که ایجاد حالت مستی در فرد نکند، حلال است،

۱. نرم افزار مکتبه الشاملة، الککل و فرآورده های آن در فقه اسلامی، ص ۳، بخش ۷، ص ۱.

و مجازاتی در پی ندارد. نیز می‌توان آن را با آب مخلوط کرد تا از حالت مست‌کنندگی بیرون آید و آن‌گاه نوشید.

اما در مذهب امامیه، نوشیدن حتی یک قطره از هر نوع مشروب سکرآور، حرام و مستوجب مجازات (هشتاد تازیانه) است و مخلوط کردن آن با آب، حکم مزبور را تغییر نمی‌دهد. دلیل نیز روایات فراوانی از اهل بیت علیهم‌السلام است، خواه آیه تحریم را شامل همه مشروبات سکرآور بدانیم و یا آن را اختصاص به شراب انگوری دهیم.

به هر حال، همان‌گونه که نجاست خمر مبنای بحث نجاست یا طهارت الکحل را تشکیل می‌داد، نجاست سایر مشروبات الکلی نیز چنین است؛ زیرا الکحل صنعتی هرچند از طریق تخمیر تهیه نمی‌شود و لفظ «خمر» بر آن صادق نیست؛ ولی احتمال این هست که لفظ «مُسکر» بر آن اطلاق شود. به ویژه هنگامی که الکحل مزبور با مایع دیگری چون آب مخلوط شده و درجه الکلی آن به کم‌تر از هفتاد یا شصت برسد، این احتمال قوی‌تر است؛ زیرا چنین مایعی قطعاً مست‌کننده و سکرآور خواهد بود. بدین لحاظ می‌بایست نجاست سایر مسکرات را نیز مورد بررسی قرار دهیم.

برخی از نوشیدنی‌های سکرآور، تحت عناوین خاصی، چون نبید، فُقاق، عصیر عنبی (آب انگور پس از جوشیدن و قبل از تبخیر دو ثلث آن) در روایات آمده و به دنبال آن، مباحث مفصلی از سوی فقها مطرح شده است، طوری که هر یک می‌تواند گفتاری از رساله را به خود اختصاص دهد. اما از آنجا که موضوع اصلی در اینجا حکم مربوط به الکحل است و طرح همه این مباحث، تأثیری در آن ندارد، از ورود به آنها خودداری نموده و خواننده را به کتاب‌های استدلالی فقه ارجاع می‌دهیم.

برای اثبات نجاست مُسکر مایع به دلایل گوناگونی استدلال شده که می‌توان آنها را در سه دلیل قرآن، سنت و اجماع خلاصه کرد.<sup>۱</sup>

### الف) قرآن

بسیاری از فقیهان اهل سنت برای اثبات نجاست و حرمت مسکرات به آیه تحریم خمر استدلال می‌کنند. آنها مدعیند که لفظ خمر از نظر لغوی بر تمامی

۱. رک: همان، بخش ۶.

مشروبات مست‌کننده صادق است؛ خواه از انگور گرفته شود یا از غیر آن. برخی نیز می‌گویند خمر از نظر لغوی به معنای شراب انگوری است، ولی شرع انور در این خصوص، معنای لفظ را گسترش بخشیده و آن را در معنای همه مشروبات به کار برده است (حقیقت شرعیه). به هر حال به نظر آنان لفظ «خمر» در آیه تحریم، تمامی مایعات مست‌کننده را دربر دارد.

### (ب) روایات

در روایات گوناگونی بر نجاست مشروبات سکرآور استدلال شده که می‌توان آنها را در دو دسته جای داد:

۱. در برخی روایات آمده است: «کلُّ مُسْکِرٍ خمرٌ» بنابراین می‌توان گفت از نظر شرع، خمر به معنای هر مسکری است که عقل را بپوشاند و هر شراب مست‌کننده‌ای تمامی احکام خمر از جمله نجاست را خواهد داشت. چنان‌که در روایات دیگری آمده که خمر از پنج چیز گرفته می‌شود: از عصاره انگور، کشمش، عسل، جو و خرما. بدین ترتیب، هر دلیلی که نجاست خمر را ثابت کند، نجاست مُسکر را نیز اثبات می‌نماید.
۲. دسته دیگر، روایاتی است که در آنها عنوان «مُسکر» آمده و آن را نجس اعلام کرده است. از آن جمله موثقه عَمَّار که می‌گوید: «لاَ تَصِلُ فِی ثَوْبٍ قَدْ أَصَابَهُ خمرٌ أَوْ مُسْکِرٌ حَتَّى تَغْسِلَهُ». چنان‌که در بحث نجاست خمر بیان شد، نهی از نمازخواندن در لباس آلوده به مسکر، نشان‌دهنده نجس‌بودن آن است؛ اما اینکه در مکاتبه علی بن مهزیار، کلمه مسکر آمده به معنای نجاست هر مسکری نیست. در آنجا می‌گوید: «اِذَا أَصَابَ ثَوْبُکَ خمرٌ أَوْ نَبِیْذٌ یَعْنِیَ الْمُسْکِرَ فَاغْسِلْهُ»

اما در آن زمان نبیذ بر دوگونه بوده است: یکی نبیذ حلال که برای شیرین‌شدن آب در آن قدری خرما یا کشمش می‌ریخته‌اند ولی در آن تخمیری صورت نمی‌گرفته است. و گونه دیگر، نبیذ حرام بوده که ماده قندی در آن تخمیر می‌شده ولی درجه الکلی بسیار پایینی داشته است. در این حدیث، امام مقصود خود از نبیذ را بیان می‌کند و

نجاست را اختصاص به نبیذ مسکر می دهد. البته ممکن است بگوییم نبیذ خصوصیتی نداشته و هر مسکری مشمول این سخن است.

### ج) اجماع

این دلیل به صورت های گوناگون مطرح شده است. سید مرتضی در کتاب «ناصریات»، نجس بودن شراب مسکر را تابع حرمت نوشیدن آن دانسته است؛ یعنی هر کس انواع مختلف شراب را حرام دانسته، آن را نجس می داند و تنها کسانی آن را پاک می دانند که نوشیدن مقدار کم از آن را تا جایی که مستی نیاورد، حلال می شمارند.

این در واقع ادعای اجماع مرکب است که صاحب جواهر آن را به گونه دیگری مطرح سازد. به نظر وی هر فقهی که خمر را نجس دانسته، سایر مشروبات مست کننده را نیز نجس می داند و هر فقهی که قائل به طهارت آن شده مابقی مسکرات نیز از نظر او پاک آند.

برخی نیز از آن به اجماع تقدیری تعبیر کرده اند؛ یعنی حتی کسانی چون شیخ صدوق و ابوعلی بن ابی عقیل که خمر را پاک دانسته اند، اگر قائل به نجاست خمر می شدند، سایر مسکرات را نیز نجس می دانستند. و سرانجام شیخ طوسی ادعا می کند که نزد امامیه، حکم خمر برای بقیه مسکرات نیز ثابت است.

### نتیجه گیری

نتیجه آنکه تمامی نوشیدنی‌های الکلی و سکرآور، مانند خمر، نجس می‌باشند و مخلوط کردن آنها با آب و از بین بردن حالت اسکار نیز موجب پاک شدن و حلال گشتن آنها نمی‌گردد.

دلیل این نظر نیز یکی روایات «الخمر من خمسة» و دیگری ترجیح روایات نجاست (هم‌چون موثق ابن‌بکیر) در مقام تعارض است. اکثر مذاهب اهل سنت نیز با این نظر موافقت<sup>۱</sup>.

### نجاست مواد روان گردان جامد

در بحث پیشین دیدیم که مسکر مایع، نجس است. اکنون می‌خواهیم ببینیم اگر این مایع به طور عارضی، جامد گردد (مثلاً به نقطه انجماد رسیده و یخ بزند) آیا نجاست آن باقی است یا از بین می‌رود؟

و نیز اگر ماده سکرآور از ابتدا جامد است، هرچند ممکن است با آب مخلوط شده و به حالت مایع در آید، آیا چنین ماده‌ای نیز حرام و نجس است؟ بدین ترتیب بحث را در دو قسمت ادامه می‌دهیم: ۱. مسکر جامد بالعرض؛ ۲. مسکر جامد بالأصله.

### الف) مسکر جامد بالعرض

فقیهان عموماً موضوع نجاست را مقید به مایع بالأصله می‌نمایند؛ بنابراین اگر ماده مسکری، در اصل مایع بوده، نجس است هرچند بعداً تبدیل به جامد گردیده باشد.

دلیل این امر نیز واضح است؛ زیرا نجاست مسکری که در اصل مایع است، ثابت می‌باشد و دلیلی بر پاک شدن آن بر اثر انجماد نداریم.

علامه در «تذکره» و «منتهی» و شهید در «ذکری» براین نکته تصریح کرده‌اند که انجماد مایعی که سکرآور است، تغییری در حکم آن ایجاد نمی‌کند. ولی صاحب جواهر در این مسئله مخالفت کرده می‌گوید: «وقتی مایع مسکر به حالت جامد در آمد، دیگر بر آن مسکر و یا خمر صادق نیست. از

۱. رک: نرم افزار مکتبه الشامله، الکلی و فرآورده های آن در فقه اسلامی، ص ۳، ص ۵۴.

این رو نمی‌توان به اطلاق دلیل نجاست خمر یا مُسکر، استدلال کرد. از سوی دیگر اصل استصحاب نیز جریان ندارد. چرا که موضوع حکم تغییر کرده و مفهوم خمر بر این ماده صادق نیست. درحالی‌که بقای موضوع از ارکان استصحاب می‌باشد.<sup>۱</sup>

### ب) مسکر جامد بالاصاله

چنان‌که دیدیم اکثر فقها «مسکر مایع بالاصالة» را موضوع نجاست می‌دانند. بنابراین مسکری که از ابتدا جامد است، پاک خواهد بود، هرچند حرمت آن جای تردید نیست. فقیهان عامه نیز تصریح دارند ملازمه حرمت و نجاست تنها در مسکر مایع است و مسکر جامد چنین حالتی را ندارد؛ بلکه از شافعیه نقل شده که حد مسکر اختصاص به مسکر مایع دارد.

پاکی مسکر جامد از لحاظ حکمی جای بحث ندارد؛ زیرا اجماع فقیهان عامه و خاصه بر آن است<sup>۲</sup> و بر آن لفظ «خمر» صادق نیست تا ادله نجاست خمر شامل آن گردد. دلیل نجاست «مسکر» نیز شامل آن نمی‌شود؛ زیرا به نظر ما روایات «الخمر من خمسة» قطعاً بر مسکر جامد صدق نمی‌کند و روایت موثقه عمّار که می‌گفت: «لا تصلّ فی ثوب قدأصابه خمر أو مسکر حتی تغسله» نیز مخصوص مسکر مایع است. در این روایت، مجرد اصابت مسکر، موجب نجاست دانسته شده (بدون آنکه در لباس، رطوبت مسری فرض شده باشد) و این تنها در صورت مایع بودن مسکر قابل تصور است.

آنچه در اینجا جای تردید است، بحث موضوعی و تصور «مسکر جامد» است. مثالی را که در کتاب‌های فقهی عامه و خاصه ذکر می‌کنند، بنگ و حشیش و مانند اینهاست.

۱. همان.

۲. رک: نرم افزار مکتبه الشاملة، الكل و فرآورده های آن در فقه اسلامی، ص ۵۵.

### حکم استعمال و مصرف مواد روان گردان

قائلین حرمت برای اثبات نظر خود به چند دلیل عمده تمسک کرده‌اند:

دلیل اول: تنقیح مناط قطعی حرمت مسکرات

از ادله حرمت مسکرات بدست می‌آید که مسکرات تنها به عنوان مسکر حرام نیستند؛ بلکه علت حرمت آنها آثار و نتایج سوئی است که از نظر جسمی و روحی بر فرد و جامعه می‌گذارند. مرحوم آیت‌الله بروجردی<sup>۱</sup> در ملاقات با رئیس سازمان جهانی مبارزه با الکل فرمودند:

«علت حرام بودن شرب خمر، مسکرویدن آن و زوال عقل است و وقتی عقل زایل شد، تکلیف هم ساقط می‌شود و انسان به مرحله حیوانی سقوط می‌کند»<sup>۱</sup>.

عین همین آثار و بلکه شدیدتر در مواد مخدر هم وجود دارد. از این رو استعمال آنها نیز مانند استعمال مسکرات حرام است. شهید مطهری در این باره می‌گوید:

«در زمان شارع، تریاک و اعتیاد به آن وجود نداشته است و ما در ادله نقلی دلیل خاصی درباره تریاک نداریم؛ اما به دلایل حسی و تجربی زیان‌ها و مفسد اعتیاد به تریاک محرز شده است. پس در اینجا با عقل و علم خود به یک ملاک یعنی یک مفسده لازم‌الاحتراز در زمینه تریاک دست‌یافته‌ایم. و ما به حکم اینکه می‌دانیم چیزی که برای بشر مضر باشد و مفسده داشته باشد از نظر شرعی حرام است، حکم می‌کنیم که اعتیاد به تریاک حرام است و اگر ثابت شود که سیگار سرطان‌زا است، یک مجتهد به حکم عقل حکم می‌کند که سیگار شرعا حرام است»<sup>۲</sup>.

مصرف این مواد آثار زیانباری بر فرد و جامعه دارد که شرح آن مجال دیگری را می‌طلبد. استعمال مواد مخدر یکی از مظاهر انحطاط اخلاقی بشر

۱. اسعدی، سید حسن؛ مجموعه مقالات برگزیده، ج سوم، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، ۱۳۷۹، ص ۸۴.

۲. مطهری، مرتضی؛ آشنائی با علوم اسلامی، اصول فقه - فقه، انتشارات صدرا، ج ۳، ص ۵۲.

است و باعث فساد جسم و عقل و نیز ورود زیان‌های شدید فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی می‌شود، و جامعه را به سوی گمراهی و تباهی سوق می‌دهد.

کلمه مخدر در لغت به معنای تخدیرکننده و وجودآورنده ضعف و سستی است و به ماده‌ای اطلاق می‌شود که باعث کسالت، سستی، از خودبیگانگی، بی‌تفاوتی و احساس لذت کاذب می‌شود و عقل را زایل نموده و قدرت ادراک، آگاهی و تفکر را از انسان می‌گیرد و او را از حالت عادی و طبیعی خارج کرده و به مرور باعث پیدایش اعتیاد می‌شود. عقل و تفکر بر رفتار و کردار معتاد، حاکم نیست و غیرت و تعصب و اعتقادات سالم نیز در پی آن از دست می‌رود؛ طوری که برای به دست آوردن مواد مخدر، وی حاضر است دست به هر کاری بزند و به چیزی جز مواد مخدر فکر نمی‌کند. او در این حال، خمار یا در حالت نشگی و احساس لذت کاذب است و در هر دو حالت ذلیل و اسیر مواد مخدر است.

از دیگر آثار مواد مخدر، بازدارندگی فرد معتاد از ذکر و یاد خدا و بندگی و عبادت اوست، آن‌طور که او را از درون تهی و پوچ و سرگردان و بی‌هدف می‌کند.

با توجه به این اثرات سوء، به نظر می‌رسد مواد مخدر و مسکرات در آثار زیان‌بار، مشترک بوده و دارای یک حکم یعنی حرمت و وجوب اجتناب از استعمال باشند. احکام شرعی تابع و منبعث از یک سلسله مصالح و مفاسد واقعی است، طوری که همه اوامر شرعی ناشی از مصالح لازم‌الاستیفاء و همه نواهی شرعی از یک مفسده واجب‌الاحترازی نشأت گرفته‌اند، و حکمت‌ها و مصلحت‌ها و مفسده‌های احکام به گونه‌ای است که اگر عقل انسانی از آنها آگاهی یابد همان حکمی را می‌کند که شرع مقدس کرده است.<sup>۱</sup>

روایاتی نیز بیان‌گر این نکته‌اند که علت حرمت مسکرات، آثار سوء و زیان‌بار آنهاست و می‌توان برای اثبات حرمت مواد مخدر به آنها تمسک کرد.

۱. رک: همان، ص ۵۱.

بعضی از این روایات عبارتند از:

۱- «ما رواه علی بن یقطين عن ابی الحسن علیه السلام قال: ان الله عزوجل لم یحرم الخمر لاسمها و لكن حرمها لعاقبتها فما كان عاقبته عاقبة الخمر فهو خمر»<sup>۱</sup> خداوند خمر را به خاطر نام آن حرام نکرده بلکه آن را به علت آثار و نتایجی که دارد حرام نموده است، در نتیجه هر چیزی که دارای آثار خمر باشد حکم خمر را دارد و حرام است.

امروزه از طریق علم و تجربه ثابت شده که آثار سوء و ویرانگر مواد مخدر بر فرد و جامعه بسیار شدید و زیانبارتر از مشروبات الکلی است و به همین سبب دارای یک حکم هستند.

۲- «ما رواه محمد بن عبدالله عن بعض اصحابنا قال: قلت لابی عبدالله علیه السلام لم حرم الله الخمر؟ قال: حرمها لفعالها و فسادها»<sup>۲</sup> از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که چرا خداوند خمر را حرام کرده است؟ فرمودند: خداوند خمر را به علت آثار سوء و فسادی که دارد حرام نموده است.

۳- «ما رواه علی بن یقطين عن ابی ابراهیم علیه السلام قال: ان الله عزوجل لم یحرم الخمر لاسمها و لكن حرمها لعاقبتها فما فعل فعل الخمر فهو خمر»<sup>۳</sup> خداوند خمر را به خاطر نام آن حرام نکرد بلکه آن را به علت آثار و نتایج سوئی که دارد حرام نمود. از این رو هر چیزی که دارای آثار خمر باشد، خمر است و حکم آن را دارد.

ممکن است کسی اشکال کند که مقتضای قاعده حلیت اشیا، اقتضای به عنوان مسکرات و عدم تعدی از آن به مواد مخدر است؛ زیرا مواد مخدر مسکر نیستند، در نتیجه حکم آنها را هم ندارند. و از طرفی دلایلی وجود دارد دال بر اینکه مسکر به عنوان مسکر حرام است و علت حرمت آن، مسکریّت و

۱. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه، باب ۱۹ از ابواب اشربه محرمة، ج ۱۷، ح اول.

۲. رک: همان، ح سوم.

۳. رک: حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه، باب ۱۹ از ابواب اشربه محرمة، ج ۱۷ همان، ح دوم.

مست‌کنندگی آن است، در نتیجه عنوان مسکریت دخیل در حکم است و تعدی از آن به مواد مخدر، نیازمند دلیل است و چنین دلیلی وجود ندارد. از این‌رو نمی‌توان تنقیح مناط قطعی انجام داد و تنقیح مناط ظنی هم از نظر فقهی باطل است و نمی‌تواند مستند حکم شرعی قرار گیرد.<sup>۱</sup>

پاسخ این است که مواد مخدر نیز دارای مراتبی از سکر و مسکریت هستند و به همین دلیل می‌توان آنها را از مسکرات محسوب نمود؛ زیرا این مواد همانند مسکرات دیگر، موجب نوعی سکر و اختلال حواس و عدم قدرت بر حفظ تعادل و پیدایش نشاط کاذب می‌شوند. امروزه از نظر علمی ثابت شده که همه اقسام مواد مخدر بر سلسله اعصاب مرکزی اثر گذاشته و حالت غیر طبیعی و احساس‌های کاذب و بی‌ادراکی برای انسان به وجود می‌آورند.

این مواد از نظر سازمان بهداشت جهانی مواد مخدر علاوه بر معنای خاص، معنای عامی نیز دارد و شامل تمامی مخدرها، محرک‌ها، توهم‌زها، آرام‌بخش‌ها و مسکن‌ها نیز می‌شود و الکل در پایین‌ترین طبقه و در ردیف کافئین (قهوه) و نیکوتین قرار دارد و این بیان‌گر این نکته است که مواد مخدر به معنای خاص آن سکرآور و زیان‌بارتر است و باید به طریق اولی حرام باشد. درست است که مواد مخدر داخل در عنوان خمر نیستند؛ زیرا متبادر از خمر چیزی است که مایع بالاصاله باشد نه جامد؛ اما حکم حرمت استعمال و خرید و فروش شامل همه مسکرات می‌شود چه مایع باشند و چه جامد، و مواد مخدر هم مسکر هستند. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایتی نقل شده دال بر اینکه هر مسکری حرام است (کل مسکر حرام) و این عبارت اطلاق دارد و شامل مسکرات جامد هم می‌شود.

در اینجا این سؤال پیش می‌آید که چرا فقهایی از قبیل مرحوم شیخ انصاری رحمته الله در کتاب مکاسب محرمة، حرمت را مقید به مایع بودن کرده‌اند: «کل مسکر مائع و الفقاع اجماعاً و نصاً»<sup>۲</sup>

۱. صدر، سید محمدباقر؛ ماوراء الفقه، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۷ ق. / ۱۹۹۶ م، ج ۷، صص ۲۲۰-۲۱۶.

۲. تعلیقه مرحوم ایروانی بر مکاسب شیخ انصاری، چاپ افست، ص ۶.

در پاسخ، کلام مرحوم محقق ایروانی رحمته الله را یادآور می‌شویم که می‌گوید:  
«احتمال دارد وجه تقیید مسکر به مایع این باشد که بحث مرحوم شیخ  
انصاری رحمته الله در اعیان نجسه است و فقط مسکرات مایع نجس هستند.»

### دلیل دوم: سیره و بنای عقلا

سیره و بنای عقلا در طول تاریخ بر اجتناب و پرهیز از مواد مخدر است و  
این سیره از طرف شارع مقدس رد نشده و در نتیجه حجیت دارد و باید بر  
اساس آن از مواد مخدر اجتناب کرد.

هرچند در وجود این سیره و بنای عقلا تردیدی نیست؛ ولی سیره عقلا  
زمانی حجیت دارد که به نحو قطعی و یقینی کاشف از موافقت معصوم علیه السلام باشد  
و در واقع امضا و تقریر صادر از معصوم، حجت است نه خود سیره و بنای  
عقلا. از این رو، سیره باید در زمان معصوم وجود داشته و مورد نهی شارع هم  
قرار نگرفته باشد تا بتوان به آن استناد نمود. ولی به نظر می‌رسد که این سیره  
چنین کاشفیتی ندارد؛ زیرا مواد مخدر در زمان ائمه معصومین علیهم السلام وجود نداشته  
تا مورد نهی آنان قرار بگیرد. به همین دلیل نمی‌توان برای اثبات حرمت مواد  
مخدر به این سیره استناد کرد.

### دلیل سوم: قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام»

این قاعده از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین قواعد فقهی است که در بیشتر ابواب  
فقهی مورد استناد قرار می‌گیرد و حتی مستند بسیاری از احکام فقط همین قاعده  
است. مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی رحمته الله در «وسيلة النجاة» و بسیاری از مراجع  
تقلید و فقها با استناد به همین دلیل به حرمت استعمال مواد مخدر حکم  
نموده‌اند. بر اساس این قاعده هر چیزی که ضرر فاحش دارد حرام است و  
مشمول آیه «و لاتلقوا بایدیکم الی التهلكة» است.

امام جعفر صادق علیه السلام می‌فرماید:

«کل شیء فیہ المضره علی بدن الانسان من الحبوب و الثمار حرام اكله الا فی

حال الضرورة<sup>۱</sup> هر چیزی که به بدن انسان ضرر برساند، خوردنش حرام است مگر در حال ضرورت.<sup>۲</sup>

در نتیجه انسان نباید مبادرت به انجام عملی کند که برای او ضرر فاحش دارد. امروزه با توجه به تجربیات و کشفیات علمی بشر تردیدی وجود ندارد که برخی از مواد مخدر ضرر شدید و قابل ملاحظه‌ای از نظر روحی و جسمی بر فرد و جامعه دارند و باعث ورود خسارت‌های شدید اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌شوند. متأسفانه جوامع انسانی به نحوی با مسئله مواد مخدر و آثار زیان‌بار آن درگیرند و یافتن راه حلی برای این معضل، ذهن همه خردورزان و دلسوزان جوامع بشری را به خود مشغول کرده است.

به نظر می‌رسد که مهم‌ترین دلیل حرمت مواد مخدر همین قاعده «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» باشد، بخصوص که ضرر و زیان این مواد اولاً فاحش و شدید است و ثانیاً آثار آن به خود مصرف‌کننده منحصر نمی‌شود؛ بلکه خانواده و اطرافیان و کل جامعه بشری متحمل زیان‌های شدید و غیرقابل جبران می‌شوند.

بنابراین، اعتیاد به مواد مخدر از بزرگ‌ترین مصادیق هلاکت و نابودی است. آیه شریفه «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ»<sup>۳</sup> نیز اشاره به این نوع مصادیق دارد. تهلکه به معنای هلاکت، نابودی و شکست است و براساس این آیه، انسان باید از اسباب هلاکت و نابودی بپرهیزد و مقدمات شکست و نیستی و هلاکت تدریجی خود را فراهم نیاورد. درحالی‌که امروزه بر کسی پوشیده نیست که استعمال مواد مخدر از مصادیق بارز هلاکت و نابودی تدریجی است و این مطلب با تجربه‌های تلخ بشری در طول تاریخ مصرف این مواد ثابت شده است. مواد مخدر در حکم سم خطرناکی است که به تدریج وارد بدن انسان شده و در

۱. تعلیقه مرحوم ایروانی بر مکاسب شیخ انصاری، چاپ افست، ص ۶.

۲. مکارم شیرازی، ناصر؛ القواعد الفقهیه، مدرسه الامام امیرالمؤمنین، ۷، قم، ج سوم، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۸.

۳. بقره/۱۹۵.

نهایت به هلاکت و نابودی او و یا ضرر و زیان شدید منجر می‌شود. هرچند شأن نزول این آیه در مورد جهاد با مشرکین و انفاق مال است؛ ولی مورد، مخصص نیست و به تعبیر علامه طباطبائی رحمته الله علیه آیه شریفه اطلاق دارد و مقصود نهی از ارتکاب هر عملی است که موجب هلاکت و نابودی انسان شود.<sup>۱</sup>

دلیل چهارم: آیه حلیت طیبات و حرمت خبائث  
 آیه «... و یحل لهم الطبیات و یحرم علیهم الخبائث» اشاره دارد به اینکه پاکیزه‌ها را بر آنان حلال و پلیدها را بر آنان حرام دانستیم.<sup>۲</sup>  
 شارع مقدس هر چیزی را که خبیث است و ضرر فاحش دارد حرام کرده است، و مواد مخدر نیز با توجه به مضرات و آثار سویی که بر فرد و جامعه و همه انسانیت دارند، جزو خبیث‌ترین اشیا هستند. شاید مهم‌ترین ضرر مواد مخدر، آسیب‌رسانی به عقل و قدرت ادراک و تفکر باشد، حال آنکه از نظر شرعی، محافظت از عقل، جزو بزرگ‌ترین واجبات انسانی است و به تعبیر مرحوم علامه طباطبائی رحمته الله علیه اساس احکام دین اسلام، حفظ عقل سلیم است. از این رو اسلام از هر عملی که به عقل سلیم آسیب برساند نهی کرده است. علت نهی شراب‌خواری و حرام‌بودن آن نیز همین نکته است؛ زیرا مصرف مشروبات الکلی باعث مستی و زوال عقل و در نهایت تهدید سعادت بشری می‌گردد و درست به همین دلیل و مناط، مواد مخدر نیز از خبائث محسوب شده و استعمال آنها حرام است.

دلیل پنجم: آیه «یَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ...»<sup>۳</sup>  
 خداوند می‌فرماید: «از تو در باره شراب و قمار می‌پرسند، بگو در آنها گناهی بزرگ و منافی برای مردم است ولی گناه آنها از منافع‌شان بیشتر است.»

۱. طباطبائی، علامه سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ج ۱، ص ۶۴.

۲. اعراف/۱۵۷.

۳. بقره / ۲۱۹.

«خمر» به هر ماده مست‌کننده‌ای اطلاق می‌شود؛ چراکه در لغت به معنای ستر و پوشاندن است و همه مست‌کننده‌ها باعث ستر و زوال عقل و مانع تشخیص خوب و بد می‌شوند و قدرت تفکر و ادراک را از آدمی می‌گیرند. «اثم» نیز معنایی نزدیک به ذنب و گناه دارد. اثم، حالتی است که باعث محرومیت انسان از نیل به خیرات می‌شود و شقاوت و حرمان به بار می‌آورد. این حالت، انسان را از رسیدن به کمالات و نیکی‌ها باز می‌دارد و ضرر زیادی به جسم و جان وارد می‌کند.

بر اساس این آیه، مشروبات الکلی و مواد مخدر حرام‌اند؛ زیرا که ضرر و زیان‌شان از منافع‌شان بیشتر است و باعث زوال عقل سلیم انسانی و ادراک و فهم و تفکر شده و شهوات کاذب و زودگذر را بر اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان حاکم می‌کنند. قرآن کریم می‌فرماید:

«قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ»<sup>۱</sup>

«اثم» در این آیه شریفه نیز معنای وسیعی دارد و شامل هر عمل زیان‌آوری است که به انحطاط انسان بیانجامد و مانع رسیدن او به ثواب و پاداش نیک شود. و شکی وجود ندارد که خمر و مواد مخدر هر دو «اثم» بوده و در نتیجه حرام‌اند. حتی می‌توان ادعا کرد که مضرات و زیان‌ها و آثار سوء بعضی از مواد مخدر مثل هروئین، به مراتب شدیدتر از مشروبات الکلی است. از این‌رو تردیدی در حرمت استعمال این قبیل مواد وجود ندارد و خرید و فروش آنها بر اساس قاعده «ان الله اذا حرم شیئاً حرم ثمنه» حرام است؛ مگر آنکه به قصد استفاده در منافع حلال و عقلایی باشد که البته آن هم باید توسط دولت و تحت نظارت آن صورت بگیرد تا فسادی در جامعه به وجود نیاید.<sup>۲</sup>

۱. اعراف/۳۲.

۲. مکارم شیرازی، ناصر؛ و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱۴، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۷۴.



## بخش دوم: استفتائات مراجع

### امام خمینی رحمته الله علیه

حرمت شرب خمر، جزو ضروریات دین است، طوری که معتقد به حلیت آن در زمره کافران است. البته این وقتی است که متوجه لوازم اعتقادش باشد و بداند که لازمه این عقیده، انکار قرآن و تکذیب رسول اسلام صلی الله علیه و آله است. در روایات اسلامی، شراب‌خواری و شراب‌خواران به ویژه تهدید شده‌اند. از امام صادق علیه السلام نقل است که فرمود: «شراب ام الخبائث و منشاء همه نوع شر و فساد است. بر شارب خمر، ساعتی می‌گذرد که در آن عقل از او سلب شده دیگر پروردگار خود را نمی‌شناسد و ارتکاب هیچ معصیتی را فرو نمی‌گذارد و هر حرمت و حریمی را هتک می‌کند و رحم نزدیک را قطع و اعمال فاحشه را هرچه پیش بیاید انجام می‌دهد.» پیرامون شراب، رسول خدا صلی الله علیه و آله ده طائفه را لعنت کردند: ۱. آن که باغ انگور جهت شراب بنشانند؛ ۲. آن که باغ را نگهبانی کند؛ ۳. آن که آب انگور را بگیرد؛ ۴. آن که آن را بجوشد؛ ۵. آن که ساقی آن باشد؛ ۶. آن که بار شراب را حمل کند؛ ۷. آن که آن را نزد وی ببرند؛ ۸. فروشنده آن؛ ۹. مشتری آن؛ ۱۰. و آن که بهای شراب را بخورد.

در بعضی اخبار تصریح شده که شراب در بین گناهان کبیره از همه بزرگ‌تر است و در اخبار زیادی آمده که مدمن خمر چون بت‌پرست است. در اخبار آمده که مدمن خمر آن کسی نیست که همه روزه خمر بنوشد؛ بلکه کسی است که در دلش تصمیم دارد هر زمان که دستش به خمر رسید بنوشد. گذشته از همه اینها شراب، مضرات زیادی دارد که اطباء حاذق در زمان ما به آن رسیده و منصفین غیرمسلمان نیز این حکم اسلام را حکیمانه دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

امام خمینی می‌گوید: «هرچه از نظر حکم و یا موضوع، مست‌کننده باشد ملحق به خمر است، چه مایع باشد چه جامد، یعنی اگر نگوییم آن نیز خمر

۱. موسوی همدانی، سید محمدباقر؛ ترجمه تحریرالوسیله امام خمینی، ج ۳، فصل خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها،

است حداقل حکم خمر را دارد. و هر چیزی که مقدار زیادش آدمی را مست کند ولی اندکش مست نکند، هم زیادش حرام است و هم اندکش، و صرف اینکه همین چیز در بعضی از طبیعت‌ها یا بعضی از آب و هواها و یا بعد از اعتیاد مستی نمی‌آورد، باعث حلّیت آن نمی‌شود بلکه همین سه فرض نیز حرام است.<sup>۱</sup>

مشهور بین فقهاء - آن‌طور که نقل شده - ، این است که مداوای با شراب بلکه با هیچ نوع مسکری حتی در صورتی که دواى منحصر باشد جائز نیست؛ لکن جواز آن خالی از قوت نیست، البته با این شرط که یقین داشته باشد به وسیله شراب، بیماریش معالجه می‌شود و نیز یقین داشته باشد اگر شراب را نخورد و بیماریش را به حال خود واگذارد، او را خواهد کشت و یا نزدیک به مرگ خواهد شد، و نیز یقین داشته باشد دواى دردش - به همان معنائی که در بالا گفتیم - منحصر به شراب است.

مسلمانان باید بدانند مسئله شرب خمر در اسلام بسیار کار زشتی است و نمی‌شود به آسانی و صرفاً به بهانه نوعی بیماری مرتکب آن شد. تنها فرض تجویز این است که اطمینان داشته باشد اگر خود را با آن مداوا نکند خواهد مرد، و این اطمینان را از این راه به دست آورده باشد که مثلاً جماعتی از اطباء حاذق و در عین حال متدین حکم کرده باشند و گرنه باید با درد خود بسازد تا شاید خدای تبارک و تعالی خودش وسیله شفاء او را فراهم سازد. بله وقتی خدای متعال ببیند بنده‌اش در راه اطاعت او و تحفظ بر دینش چگونه درد می‌کشد البته شفایش می‌دهد و گرنه پاداشی عظیم در مقابل صبرش به او عطا می‌کند.<sup>۲</sup>

۱. همان، مسئله ۱۶.

۲. موسوی همدانی، سید محمدباقر؛ ترجمه تحریر الوسیله امام خمینی، ج ۳، فصل خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها،

مسئله ۳۵.



### آیت الله بروجردی رحمته الله علیه

آیت الله بروجردی می گوید: «همیشه نوشته‌ام، مقتضی است مسلمین، بلکه تمامی عقلا خود را از این سموم مهلکه نجات دهند».<sup>۱</sup>  
و در جای دیگر می گوید: «هر چیزی که عقل را زایل می کند در اسلام حرام است».<sup>۲</sup>

### آیت الله فاضل لنکرانی رحمته الله علیه

آیت الله فاضل لنکرانی نیز می گوید: «استعمال مواد مخدر از این جهت که ضرر مهم بر جسم و جان انسان وارد و همه امور متعارف و طبیعی فردی و اجتماعی را مختل می کند و نیز موجب بازداشتن از انجام واجبات و امور دینی است و همین طور به جهت سایر مفساسدی که دارد به هیچ وجه جایز نیست».<sup>۳</sup>

### آیت الله مکارم شیرازی

آیت الله مکارم شیرازی هم در این باره می گوید: «مواد مخدر به هر شکل و هر صورت، استعمالش حرام است و تمام کسانی هم که دست اندرکار پخش و گسترش آن به هر نحو باشند کار آنها حرام است، معاملاتش نیز قطعاً حرام است. کشت مواد مخدر در شرایط فعلی حرام است، همچنین همه دست اندرکاران آن کارهایشان حرام است. و در واقع شبیه آن چیزی است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره شراب می فرماید که خداوند ده طایفه را در رابطه با شراب لعن کرده یعنی از رحمتش دور ساخته است، مواد مخدر هم عیناً همان و بلکه بدتر است. اگر چنین شرایطی در صدر اسلام بود و آیات قرآن نازل می شد به یقین آیاتی شدیدتر درباره مواد مخدر نازل می شد، ولی از اصولی که در فقه اسلامی داریم این حکم به خوبی روشن می شود. استعمال مواد مخدر از محرمات مسلمة است و ضررهای مادی و معنوی و اجتماعی و اقتصادی آن بر

۱. اسعدی، سید حسن؛ مجموعه مقالات برگزیده، ج ۳، ص ۹۱.

۲. همان، ص ۹۱.

۳. همان، ص ۹۳.

هیچ عاقلی پوشیده نیست و از همه بدتر اینکه مواد مخدر به صورت یکی از ابزارهای مخرب استعماری درآمده است.»<sup>۱</sup>

### آیت الله صافی گلپایگانی

آیت الله صافی گلپایگانی نیز می گوید: «ضرر این سموم مهلک و خطرات خانمان سوز آن، برای دین و ایمان و شرف و استقلال و سلامت روح و جسم و همه شئون جامعه از واضحات است. هر عمل و معامله و حمل و نقلی که موجب سلب مصونیت جامعه اسلامی از خطر ابتلای افراد به اعتیاد به این سموم گردد مؤکداً حرام است، و نهی از منکر و جلوگیری از آن علاوه بر اینکه از وظایف مستقیم حکومت است، بر همگان نیز طبق ضوابط شرعی واجب است و همه باید هم آهنگ از این منکر و سایر منکرات که موجب فساد و تباهی اخلاق اسلامی جامعه است جلوگیری نمایند.»<sup>۲</sup>

### آیت الله خامنه‌ای دامت برکاته

رهبر معظم انقلاب نیز بر آنند که مشروبات مست کننده بنا بر احتیاط نجس است. و نیز هر یک از اقسام الکلی که مست کننده و در اصل مایع باشد، نجس است. و ملاک نجاست الکلی این است که مست کننده و در اصل مایع باشد.<sup>۳</sup>

### احکام خرید و فروش

امام خمینی رحمته الله علیه معتقد است که در چند مورد معامله باطل است: اول خرید و فروش عین نجس مثل بول و غائط و مسکرات، بنابر اقوی و در بعضی دیگر بنابر احتیاط واجب معامله باطل است.<sup>۴</sup>

طبق نظر ایشان خرید و فروش مسکرات، حرام و معامله آنها باطل است.<sup>۵</sup>

۱. همان، ص ۹۵.

۲. صافی گلپایگانی، لطف الله؛ جامع الاحکام، قم، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۱۸۷.

۳. مقام معظم رهبری، اجوبة الاستفتائات، سؤال ۳۰۱.

۴. خمینی، روح الله؛ توضیح المسائل، مسئله ۲۰۵۵.

۵. ر.ک: همان، مسئله ۲۰۶۳.

ایشان در مسئله‌ای دیگر می‌گویند «چند مورد معامله باطل است: اول: خرید و فروش عین نجاست مثل بول و مسکرات، ولی در صورتی که بشود از آن استفاده حلال ببرند مثل اینکه غائط را کود نمایند یا خون را در معالجه بیماران مصرف کنند، خرید و فروش آن جائز است.»<sup>۱</sup>

آیت‌الله فاضل لنکرانی رحمته‌الله نیز فتوا به حرمت دارد: خرید و فروش مسکرات حرام و معامله آنها باطل است.<sup>۲</sup>

آیت‌الله صافی نیز بر همین نظر است: خرید و فروش مسکرات حرام و معامله آنها باطل است.<sup>۳</sup>

آیت‌الله اراکی هم می‌گوید: خرید و فروش مسکرات حرام و معامله آنها باطل است.<sup>۴</sup>

#### نتیجه

تمامی مواد روان‌گردان و سکرآور، هم چون خمر، حرام و در صورتی که بالاصاله مایع باشند نجس نیز هستند و مخلوط کردن آنها با آب و از بین بردن حالت اسکار نیز موجب پاک شدن و حلال گشتن آنها نمی‌شود. همچنین خرید و فروش آنها اگر به نیت درستی چون تداوی نباشد، حرام است.

۱. همان، مسئله ۲۰۵۱.

۲. آیت‌الله فاضل لنکرانی، توضیح المسائل، مسئله ۲۱۲۴.

۳. آیت‌الله صافی، توضیح المسائل، مسئله ۲۰۷۱.

۴. آیت‌الله اراکی، توضیح المسائل، مسئله ۲۰۸۹.

## منابع

۱. اسعدی، سید حسن: مجموعه مقالات برگزیده، جلد ۳، روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، ۱۳۷۹ش.
۲. صافی گلپایگانی، لطف الله: جامع الاحکام، قم، بی نام، ۱۴۱۹ق.
۳. صالح بن فوزان، المخدرات فی فقه الإسلامی، نرم افزار مکتبه الشامله، بی نام، بی جا، ۱۴۱۱ق.
۴. صدر، سید محمدباقر: ماوراء الفقه، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۱۷ق.
۵. طباطبایی، سید محمدحسین: المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات جامعه مدرسین، قم، بی تا.
۶. عاملی، محمد بن حسن حر عاملی: وسائل الشیعه.
۷. مطهری، مرتضی: آشنائی با علوم اسلامی، انتشارات صدرا، ج ۳.
۸. مکارم شیرازی، ناصر: تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهاردهم، ۱۳۷۱ش.
۹. موسوی همدانی، سید محمدباقر: ترجمه تحریر الوسیله امام خمینی، نرم افزار مکتبه الشامله، بی جا، بی تا.
۱۰. نرم افزار مکتبه الشامله، الكل و فراورده های آن در فقه اسلامی، بی نام، بی جا، بی تا.
۱۱. سایت اینترنتی: [www.congress60.org](http://www.congress60.org)